

بررسی تطبیقی تحقیقات مقدماتی در قانون اجرائات جزایی افغانستان و ایران

□ زهرا نظری

□ لیسانس حقوق و معارف از دانشگاه المصطفی – واحد کابل

چکیده

تحقیقات مقدماتی فرایندی است که شامل مرحله کشف، دستگیری، تحقیق و تعقیب متهمان می‌شود. مسأله تحقیقات مقدماتی در سیستم قضایی یک کشور، از اهمیت زیاد برخوردار است. این تحقیق قانون اجرائات جزایی افغانستان و آیین دادرسی کیفری ایران را به صورت تطبیقی و به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع حقوقی مربوطه، مورد بررسی قرار داده و در فرایند تحقیق، به خاطر نشان نمودن نقاط اشتراک و افتراق قانون اجرائات جزایی دو کشور پرداخته است.

کلیدواژه‌ها

تحقیقات مقدماتی. قانون اجرائات جزایی افغانستان. قانون اجرائات جزایی ایران. مقام تحقیق کننده. مقام تعقیب کننده.

مقدمه

در بین پنج مرحله محاکمه یعنی کشف جرم، تعقیب، تحقیقات مقدماتی، محاکمه و اجراء؛ مرحله تحقیقات مقدماتی از اهمیت قابل توجهی برخوردار است؛ زیرا بنای محاکمات در این مرحله است که نهاده می‌شود و سرنوشت متهم بر اساس آن رقم می‌خورد؛ با این توضیح که تا پیش از این مرحله از رسیدگی، هنوز دلایل اتهام جمع‌آوری نشده و وضعیت متهم در ابهام است، به همین علت از یک طرف احتمال نقض حقوق متهم همانند حق حریم خصوصی، حق برخورداری از آزادی و اصل برائت مطرح است و از سوی دیگر، پاسخ به احساسات جریحه دار شده جامعه و مدعی انتظار به حقی است و این حق، تحقیقات مقدماتی را به خود اختصاص می‌دهد. بر همین اساس تحقیقات مقدماتی باید در سایه ضوابط دقیق و شفاف به نحوی انجام شود که ضمن رعایت حقوق اصحاب دعوا و پاسخ به انتظارات قانونی آنان، دلایل له و علیه متهم به نحوی جمع‌آوری شود که در آینده مبنای یک محاکمه عادلانه و شفاف قرار گیرد. این هدف زمانی قابل تحقق است که هدایت‌گر تحقیقات مقدماتی، از استقلال و بی‌طرفی برخوردار باشد تا بتواند با خاطر آسوده اقدامات لازم را انجام دهد. همین ضرورت سبب شده است تا که تحقیقات مقدماتی به دو مرحله «تعقیب» و «تحقیق» تقسیم گردد و توسط یک مقام قضایی بی‌طرف (سارنوال) انجام شود.

سوال اصلی و مهم تحقیق، این است که فرایند تحقیقات مقدماتی در قانون اجرائات جزایی افغانستان و

ایران چگونه است؟

پرسش فوق، پرسش‌های فرعی‌تر زیر را در پی دارد:

۱- مقصود از فرایند تحقیقات مقدماتی چیست؟

۲- مرجع انجام تحقیقات مقدماتی چه کسی و کجا است؟

۳- اصول و قواعد حاکم بر فرایند تحقیقات مقدماتی چیست؟

۴- فرایند تحقیقات مقدماتی در قانون اجرائات جزایی افغانستان و ایران چگونه است؟ و چه پیوندها و

گسست‌هایی میان این دو قانون وجود دارد؟

این تحقیق بر این فرضیه استوار است که به رغم وجود شباهت‌هایی میان قانون اجرائات جزایی افغانستان و

ایران، تفاوت‌هایی نیز میان آن دو وجود دارد.

این تحقیق به روش کتابخانه‌ای و با مراجعه به منابع حقوقی و آیین دادرسی کیفری ایران و منابع حقوقی

افغانستان، ضمن دو عنوان اصلی به فرجام رسیده است که عبارتند از: ۱. مفهوم و ویژگی‌های تحقیقات

مقدماتی ۲. فرایند تحقیقات مقدماتی.

۱. تحقیقات مقدماتی

۱-۱. مفهوم تحقیقات مقدماتی

تحقیقات مقدماتی مجموعه اقدامات قانونی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضایی برای حفظ آثار

و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می‌شود.

(قانون آیین دادرسی کیفری ایران، ماده ۹۰).

۱-۲. ویژگی‌های تحقیقات مقدماتی

تحقیقات مقدماتی دارای ویژگی‌های خاصی است که ضوابط حاکم بر آن متأثر از این ویژگی‌ها شکل می‌گیرد.

۱-۳. محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی

تحقیقات مقدماتی به صورت سری انجام می‌شود. سری بودن تحقیقات مقدماتی به این معنی است که تمام

افراد و مقامات از جمله ضابطان، کارشناسان، کارمندان دادرسی، شهود، مترجمان و حتی دادستان و بازپرس و

دیگر مقامات قضایی، که در انجام آن نقش دارند و به این اعتبار محتویات پرونده برای آن‌ها قابل دسترسی

است؛ حق ندارند محتویات آن را افشا نمایند و افراد عادی نیز حق حضور در جلسه تحقیق مقدماتی را

ندارند. بنابراین، هر گونه مصاحبه و انتشار مطلب یا اعلام خبر که متضمن افشای هویت متهم، بزه‌دیده، شاکی،

شاهد و یا دیگر محتویات پرونده باشد با محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی منافات داشته و نقض ضوابط آیین

دادرسی محسوب می‌شود. به موجب ماده (۹۱) ق.آ.د.ک: «تحقیقات مقدماتی به صورت محرمانه صورت

می‌گیرد مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید. کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی

حضور دارند، موظف به حفظ این اسرار هستند و در صورت تخلف، به مجازات جرم افشای اسرار شغلی و حرفه‌ای محکوم می‌شوند. علت محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی، رعایت اصل برائت و جلوگیری از برچسب‌زنی پیش از هنگام به متهم است. علاوه بر این، انجام صحیح و دقیق تحقیقات مقدماتی به خصوص جمع‌آوری دلایل و شناسایی متهمان؛ یعنی جلوگیری از محو آثار و ادله جرم و فرار متهمان علت دیگر محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی است. (طهماسبی ۱۳۹۴، ۱۹).

۴-۱. غیرعلنی بودن تحقیقات مقدماتی

علنی بودن رسیدگی به این معنی است که هر شخص می‌تواند بدون محدودیت تا جایی که فضای دادگاه ظرفیت دارد، در جلسه دادرسی حضور پیدا کند و ناظر بر محاکمات باشد. علنی بودن محاکمات دارای سازوکاری است که عملکرد قاضی دادگاه را در معرض قضاوت جامعه قرار می‌دهد و سبب تحقق نظارت عمومی بر دادرسی‌ها می‌گردد. این نوع نظارت راهبرد مؤثری در رعایت اصل استقلال و بی‌طرفی قاضی است.

رعایت این اصل در تحقیقات مقدماتی ضرورت ندارد؛ بلکه ویژگی محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی، با علنی بودن آن منافات دارد؛ البته باید توجه داشت غیرعلنی بودن به معنی محرمانه بودن نیست؛ بلکه هر کدام از این‌ها از ضوابط خاصی تبعیت می‌کنند. غیرعلنی بودن یعنی اینکه جلسات رسیدگی و تحقیق در انظار عمومی انجام نمی‌شود؛ به این معنی که حضور افرادی که در رسیدگی نقش ندارند در هنگام تحقیقات ممنوع است، در حالی که محرمانه بودن، همان طور که پیش از این گفته شد، به معنی عدم افشای پرونده است. بدیهی است علنی بودن سبب افشای این اطلاعات می‌شود و جریان پرونده را از حالت محرمانه بودن خارج می‌کند.

علت دیگر غیرعلنی بودن تحقیقات مقدماتی، منافات آن با اصل سرعت و استمرار در تحقیقات است. علاوه بر این، با رعایت حریم خصوصی اصحاب دعوا، به خصوص متهم نیز منافات دارد؛ زیرا هنوز که دلایل کافی برای توجه اتهام به او جمع‌آوری نشده است، عموم مردم از اتهام وی مطلع می‌شوند و این امر سبب برچسب‌زنی ناروا یا ناهنگام به متهم است. رعایت اصل برائت و رعایت اصل کرامت و حیثیت افراد اقتضا دارد که پیش از دستیابی به دلایل کافی برای توجه اتهام به متهم از برچسب‌زنی به او خودداری شود. ضرورت غیرعلنی بودن تحقیق از شاکی و متهم توسط بازپرس در ماده (۱۹۲) ق.آ.د.ک ایران این‌گونه مورد تأکید قانون‌گذار قرار گرفته است: «تحقیق از شاکی و متهم غیرعلنی و انفرادی است مگر در جرائم قابل گذشت که به آن‌ها در دادسرا حتی‌الامکان به صورت توافقی رسیدگی می‌شود و بازپرس مکلف است در صورت امکان، سعی در ایجاد صلح و سازش و یا ارجاع امر به میانجی‌گری نماید». همین تصریح در مورد شهود و مطلعان نیز به موجب ماده (۲۰۶) قانون مزبور مورد توجه قانون‌گذار بوده است. به موجب این ماده: «تحقیق و بازجویی از شهود و مطلعان قبل از رسیدگی در دادگاه، غیرعلنی است». (طهماسبی ۱۳۹۴، ۲۲-۲۴)

۵-۱. غیر تدافعی بودن

تدافعی بودن دادرسی به این معنا است که طرفین پرونده یا وکلاء آنها همزمان در یک جلسه نزد مراجع قضایی حاضر و به بیان مواضع خود و پاسخ به اظهارات طرف مقابل بپردازند. این خصیصه از ویژگی‌های نظام اتهامی است؛ زیرا در نظام‌های تفتیشی وضعیت کلاً متمایز است. در قانون آیین دادرسی کیفری ایران، با توجه به این که مرحله تحقیقات مقدماتی متأثر از نظام تفتیشی انجام می‌شود، مداخله متهم، شاکی و نحوه تحقیق از آنها با محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی مواجه است. از جمله این که تحقیق از شاکی، متهم، شهود و مطلعان به موجب مواد (۱۹۲) و (۲۰۷) ق.آ.د.ک انفرادی و به صورت جداگانه انجام می‌شود و آنان حق ندارند با یکدیگر وارد مذاکره و مواضعه شوند. در مورد جرایم قابل گذشت تحت ضابطه‌ای که در قسمت دوم ماده (۱۹۲) پیش‌بینی شده است، وضعیت متفاوت است. قانون‌گذار در یک اقدام که در قوانین قبلی فاقد سابقه است، به موجب این ماده مقرر نموده است: «تحقیق از شاکی و متهم غیرعلنی و انفرادی است، مگر در جرایم قابل گذشت که به آنها در دادسرا حتی‌الامکان به صورت ترافعی رسیدگی می‌شود و بازپرس مکلف است در صورت امکان، سعی در ایجاد صلح و سازش و یا ارجاع امر به میانجی‌گری نماید». (طهماسبی ۱۳۹۴، ۲۴)

۶-۱. بی طرفی

رعایت بی طرفی سنگ بنایی است که تفکیک مرحله تعقیب بر آن نهاده شده است. بر این اساس، بازپرس باید در کمال بی طرفی و بدون تمایل به کسی از اصحاب دعوا و بدون هر گونه جانب‌داری، تحقیقات مقدماتی را انجام دهد. این ضرورت به موجب ماده (۹۳) این گونه مورد تأکید قانون‌گذار قرار گرفته است: «بازپرس باید در کمال بی طرفی و در حدود اختیارات قانونی، تحقیقات را انجام دهد و در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است فرق نگذارد». بنابراین، بازپرس موظف است نه تنها دلایل مبنی بر توجه اتهام به متهم را؛ بلکه باید دلایل له او را نیز جمع‌آوری کند. بازپرس مقام بی طرفی است که هدف او دستیابی به حقیقت و روشن شدن واقعیت‌های مربوط به ارتکاب جرم است؛ بر همین اساس، باید چشم انداز کار خود را کشف حقیقت تعریف کند. رسیدن به این هدف زمانی ممکن است که تفاوتی بین جمع‌آوری دلایل و اوضاع و احوال له و علیه متهم قائل نشود. بی طرفی تنها اختصاص به مرحله جمع‌آوری دلایل ندارد؛ بلکه در هنگام اظهار نظر نهایی نیز مطرح است. بازپرس نباید نسبت به یکی از طرفین دعوا اعم از شاکی، متهم یا دادستان، تمایل خاصی داشته باشد و از خواسته‌های او پیروی کند؛ بلکه باید در تحقیقات و اظهار نظر قضایی تنها به استناد واقعیت‌های موجود در پرونده اقدام کند و از هیچ کسی جانب‌داری نکند. (همان، ۲۶)

۷-۱. سرعت و استمرار

تحقیقات مقدماتی باید سریع باشد. بازپرس که تحقیقات مقدماتی را انجام می‌دهد نباید در تحصیل و جمع‌آوری اسناد و دلایل جرم، تعلل ورزد و مکلف است اقدامات ضروری را بدون فوت وقت به انجام رساند و بکوشد برای پیش‌گیری از امحای آثار جرم و ممانعت از فرار و یا مخفی شدن متهم لحظه‌ای تأخیر نشود. تسامح در تحقیقات مقدماتی ممکن است نتیجه زیان باری داشته باشد و سبب شود که آثار و علائم جرم از بین برود و یا متهم فرار کند و یا مخفی گردد، که تدارک آن بعدها امکان نداشته، یا دشوار باشد. به همین علت قانون‌گذار به موجب ماده (۹۴) ق.آ.د.ک تصریح کرده است: «تحقیقات مقدماتی باید به سرعت و به نحو مستمر انجام شود و ایام تعطیل مانع انجام آن نیست». (طهماسبی ۱۳۹۴، ۲۶-۲۷)

۸-۱. کتبی بودن

تحقیقات مقدماتی باید کتبی باشد؛ چنان‌که امروزه دادرسی در تمام نظام‌های کیفری، کتبی است. این امر به حدی بدیهی بوده که قانون‌گذار به تصریح و تأکید در این مورد احساس نیاز نکرده است؛ زیرا از رویکرد کلی قانون‌گذار و نحوه نگارش بسیاری از مواد قانونی، ضرورت کتبی بودن آشکار است. تحقیقات شفاهی در هیچ یک از مراحل دادرسی، قابلیت استناد ندارد و این بهترین ضمانت اجراء کتبی بودن تمام مراحل دادرسی از جمله مرحله تحقیقات مقدماتی است.

به عنوان مثال؛ در ماده (۱۰۰) ق.آ.د.ک به «ضرورت تهیه صورت مجلس» و در ماده (۳۴) ق.آ.د.ک به «کتبی بودن» دستورات قضایی، در ماده (۱۱۵) ق.آ.د.ک به نحوه اصلاح اشتباهات نگارشی و نهایتاً تصریح به «نوشتن» در ماده (۱۹۹) ق.آ.د.ک و ... از این جمله است. (همان، ۳۰)

۲. مراجع انجام دهنده تحقیقات مقدماتی

۲-۱. بازپرس

قاضی تحقیق، مستنطق و یا بازپرس، یک مقام خاص قضایی است که تحقیق مقدماتی جرایم و جمع‌آوری دلایل له و علیه متهم به عهده اوست و وظایف قانونی خود را به شکل مستقل و تحت نظارت دادستان انجام می‌دهد. (آخوندی ۱۳۸۹، ۵۱)

با هدف رعایت حقوق دفاعی متهم و تحقق برخی دیگر از اصول راهبردی دادرسی‌های کیفری از جمله اصل بی‌طرفی و تساوی افراد در برابر قانون و رعایت اصل تساوی سلاح‌ها در مرحله تحقیقات مقدماتی، به موجب ماده (۹۲) ق.آ.د.ک مرجع انجام تحقیقات مقدماتی در تمام جرایم «بازپرس» است. بنابراین، تحقیقات مقدماتی وظیفه بازپرس است. علی‌رغم این، در موارد استثنایی دادستان می‌تواند تحقیقات مقدماتی را انجام دهد که به بررسی این موارد می‌پردازیم. (طهماسبی ۱۳۹۴، ۳۲)

۲-۲. دادستان

دادستان یا مدعی العموم، مقامی است که برای حفظ حقوق عمومی و نظارت بر حسن اجرای قوانین و تعقیب کیفری بزهکاران، طبق مقررات قانونی انجام وظیفه می‌کند. (آخوندی ۱۳۸۹، ۵۰)

مهمترین موردی که دادستان حق مداخله و انجام تحقیقات مقدماتی را دارد، جایی است که بازپرس در حوزه قضایی وجود نداشته باشد یا کم باشد، به نحوی که توان انجام تحقیقات مقدماتی تمام جرایم را نداشته باشد. به موجب ماده (۹۲) ق.آ.د.ک «...در جرایم موضوع ماده (۳۰۲) این قانون، در صورت کمبود بازپرس، دادستان نیز دارای تمام وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس تعیین شده است». دادستان می‌تواند انجام این تحقیقات را به دادیار یا معاون خود ارجاع دهد؛ چنانچه این امر را به دادیار ارجاع دهد، قرار نهایی دادیار و قرار تأمین منتهی به بازداشت متهم باید در همان روز صدور، به نظر دادستان برسد و دادستان نیز مکلف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت در این باره اظهار نظر کند. در وضعیتی که این امر به معاون دادستان ارجاع می‌شود یا در غیاب دادستان معاون وی یا دادیار به عنوان جانشین دادستان بدون ارجاع دادستان اقدام به تحقیقات مقدماتی می‌کنند، نیاز به اظهار نظر دادستان نیست و اقدام آن‌ها در حکم اقدام دادستان است. (طهماسبی ۱۳۹۴، ۳۵)

۲-۳. معاون دادسرا

معاون دادسرا صاحب منصبی است که تحت نظارت دادستان، قسمتی از وظایف دادسرا را انجام می‌دهد و در غیاب دادستان جانشین اوست (آخوندی ۱۳۸۹، ۵۰).

این امر از ماده (۸۸) قانون مورد بحث به خوبی استنباط می‌شود. در ماده ۸۸ ق.آ.د.ک مقرر شده است: «در اموری که از طرف دادستان به معاون دادستان یا دادیار ارجاع می‌شود، آنان در امور محوله تمام وظایف و اختیارات دادستان را دارند و تحت تعلیمات و نظارت او انجام وظیفه می‌کنند. در غیاب دادستان و معاون او، دادیاری که سابقه قضایی بیشتری دارد و در صورت تساوی، دادیاری که سن بیشتری دارد، جانشین دادستان می‌شود».

۲-۴. دادیار

دادیار صاحب منصبی است که به نمایندگی از طرف دادستان انجام وظیفه می‌کند. (همان، ۵۱)

دادیار نیز طبق ماده (۸۸) ق.آ.د.ک در صورت سابقه قضایی و سن بیشتر، جانشین دادستان می‌شود.

۲-۵. دادرس دادگاه

وضعیت استثنایی دیگری به موجب ماده (۹۲) ق.آ.د.ک که برای انجام تحقیقات مقدماتی پیش بینی شده است، تبصره این ماده است. در این تبصره می‌خوانیم: «در صورت عدم حضور بازپرس یا معذور بودن وی از انجام وظیفه و عدم دسترسی به بازپرس دیگر در آن دادسرا در جرایم موضوع ماده (۳۰۲) این قانون،

دادرس دادگاه به تقاضای دادستان و تعیین رییس حوزه قضایی، وظیفه بازپرس را فقط تا زمان باقی بودن وضعیت مذکور انجام می‌دهد». همانطور که در نظریه شماره ۷/۹۳ / ۲۱۹۷ مؤرخ ۹۳/۹/۱۶ اداره حقوقی آمده است، منظور از «دادرس دادگاه» در این تبصره اعم از دادرس علی‌البدل و رییس شعبه دادگاه کیفری است؛ زیرا در قانون مزبور در موارد مختلفی میان «دادرس» و «دادرس علی‌البدل» تفاوت قائل شده است؛ همانند ماده (۴۲۱) این قانون که در مقام بیان موارد رد دادرس است، دادرس شامل رییس دادگاه نیز می‌باشد. در نظریه مزبور تصریح شده است که در صورت نبودن دادرس علی‌البدل یا رییس دادگاه کیفری، ارجاع موضوع به رییس دادگاه عمومی حقوقی نیز بلا مانع است. (طهماسبی، ۱۳۹۴، ۳۷)

۶-۲. رییس یا دادرس علی‌البدل دادگاه عمومی بخش

در دادگاه بخش تحقیقات مقدماتی جرایم در دو وضعیت متمایز انجام می‌شود. وضعیت نخست مربوط به جرایمی است که در صلاحیت این دادگاه است و وضعیت دیگر معطوف به جرایم در صلاحیت دادگاه کیفری یک است که در حوزه قضایی بخش ارتکاب می‌یابد و تحقیقات مقدماتی آن به عهده دادگاه عمومی بخش است. همانطور که در ماده (۳۳۶) مقرر شده است: «در دادگاه بخش، رئیس یا دادرس علی‌البدل در جرایم موضوع صلاحیت این دادگاه رأساً رسیدگی و رأی صادر کند». تحقیقات مقدماتی در این وضعیت؛ همانند سایر جرایمی است که به طور مستقیم و بدون کیفرخواست در دادگاه مطرح می‌شود. (در مبحث بعدی پیرامون این وضعیت بحث و بررسی لازم صورت خواهد گرفت).

وضعیت دوم که تحقیقات مقدماتی در دادگاه عمومی بخش، انجام می‌شود. تحقیقات مقدماتی جرایم در صلاحیت دادگاه کیفری یک است. به موجب ماده (۳۳۷) پیش بینی شده است که:

«در جرایم موضوع ماده (۳۰۲) این قانون رییس دادگاه بخش، به جانشینی از بازپرس و تحت نظارت و تعلیمات دادستان هر شهرستان مربوط، انجام وظیفه می‌نماید. در صورت تعدد شعب با ارجاع رئیس حوزه قضایی، رؤسای شعب عهده دار این وظیفه هستند. هرگاه دادگاه بخش فاقد رئیس باشد، دادرس علی‌البدل به عنوان جانشین بازپرس اقدام می‌کند و در هر حال؛ صدور کیفرخواست بر عهده دادستان است». رابطه قضات دادگاه بخش و دادستان شهرستان مربوط در این حالت؛ همانند رابطه بازپرس و دادستان است. از طرفی قضات دادگاه بخش که به جانشینی از بازپرس تحقیقات مقدماتی جرایم موضوع ماده (۳۰۲) قانون مزبور را انجام می‌دهند تمام اختیارات و وظایف بازپرس را دارا می‌باشند. (طهماسبی ۱۳۹۴، ۳۷-۳۸)

۳. وضعیت شروع به تحقیقات مقدماتی

هدف از تحقیقات مقدماتی، کشف حقیقت؛ یعنی شناسایی ابعاد مختلف جرم و آشکار شدن میزان دخالت افراد در آن و دستیابی به این افراد است تا سر انجام بر اساس تحقیقات انجام شده پیرامون بزهکاری یا بی‌گناهی آنان اظهار نظر شود.

نخستین مسأله در این رهگذر، نحوه شروع به تحقیقات مقدماتی است؛ یعنی باید حدود اختیارات مقام قضایی مسؤل انجام تحقیقات مقدماتی، در شروع به این تحقیقات مشخص شود. شروع به تحقیقات مقدماتی از سوی بازپرس منوط به ارجاع دادستان است؛ زیرا تشخیص اینکه جرمی تعقیب شود یا خیر، از جمله وظایف ذاتی دادستان محسوب می‌شود؛ چنانچه دادستان کشف جرم و وقوع آن را احراز کند و تصمیم بر تداوم تعقیب داشته باشد، مرحله بعد تحقیقات مقدماتی است که به موجب ماده (۹۲) ق.آ.د.ک به جز شرایط استثنایی در تمام جرایم به عهده بازپرس می‌باشد. وظیفه بازپرس جهت شروع به تحقیقات مقدماتی، با ارجاع دادستان آغاز می‌شود؛ البته این امر مانع از شروع به تحقیقات مقدماتی توسط بازپرس در شرایط استثنایی نیست. در دو وضعیت بدون ارجاع دادستان، بازپرس می‌تواند تحقیقات مقدماتی را آغاز نماید. (همان، ۴۶ - ۴۷)

۳-۱. بازپرس ناظر وقوع جرم باشد

در این وضعیت بازپرس تحقیقات را شخصاً شروع می‌کند. بازپرس ضمن انجام تحقیقات لازم، باید مراتب را فوری به اطلاع دادستان برساند. تداوم تحقیقات در این حالت توسط بازپرس منوط به ارجاع دادستان است؛ بنابراین، بازپرس در تمام جرایم مشهود که در حوزه قضایی محل مأموریت او رخ می‌دهد، بدون ارجاع دادستان و به طور مستقیم حق مداخله ندارد؛ تنها در صورتی که جرم در مرئی و منظر وی انجام شود، در اجرای ماده (۸۹) ق.آ.د.ک می‌تواند رأساً تحقیقات را شروع کند. (همان، ۴۷)

۳-۲. کشف جرم ضمن تحقیق جرم دیگر صورت گیرد

مطابق ماده ق.آ.د.ک: «هرگاه بازپرس ضمن انجام تحقیق پیرامون یک جرم، جرم دیگری را کشف کند که به جرم اول مرتبط نباشد و بدون شکایت شاکی نیز قابل تعقیب باشد، اقدامات لازم را طبق قانون برای حفظ آثار و علائم وقوع جرم، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم به عمل می‌آورد و هم زمان مراتب را به دادستان اطلاع می‌دهد. ادامه تحقیقات توسط بازپرس در این صورت نیز منوط به ارجاع دادستان است.» بدیهی است اگر جرم کشف شده مرتبط با جرمی باشد که بازپرس در حال انجام تحقیقات آن است، به ارجاع جدید دادستان نیاز ندارد.

پس از آن که بازپرس تحقیقات مقدماتی را آغاز کرد، با گستره وسیعی از اقدامات تحقیقی مواجه است که هر کدام از آنها تحت ضوابط مشخصی باید انجام شود. (طهماسبی ۱۳۹۴، ۴۷)

۴. قرارهای تأمین

در جریان تحقیقات مقدماتی، لازم است مرجع تحقیق تصمیماتی را برای پیشبرد روند تحقیقات اتخاذ نماید و یا در پایان تحقیقات در مورد کافی بودن دلایل توجه اتهام به متهم یا عدم کفایت آن، و نهایتاً لزوم ارسال

پرونده به دادگاه اظهار نظر کند. این تصمیمات که گاه شکلی و گاه ماهوی است، قرار نامیده می‌شود، و بدین ترتیب، می‌توان گفت که قرار عبارت است از تصمیم مرجع قضایی برای تکمیل تحقیقات یا اظهار نظر در مورد قابلیت یا عدم قابلیت محاکمه متهم در دادگاه. بر همین اساس؛ قرارهای مرجع تحقیق به دو دسته، قرارهای اعدادی و قرارهای نهایی تقسیم می‌شوند. قرارهای اعدادی یا تمهیدی یا مقدماتی قرارهایی هستند که پرونده را برای اظهار نظر نهایی در مورد دلایل اتهام و قابلیت محاکمه متهم، آماده می‌سازد؛ مانند قرار تأمین کیفری، قرار تأمین خواسته، قرار ارجاع امر به کارشناس، قرار معاینه محل ... که طی آن بازپرس یا دادیار، موضوع را به لحاظ نوع جرم، یا به لحاظ محل وقوع آن، پرونده را جهت رسیدگی به دادرسی صالح ارسال می‌کند، باید در شمار قرارهای اعدادی دانست. در مقابل، قرارهای نهایی قرارهایی هستند که محتوای آن‌ها اظهار نظر در مورد اتهام متهم و دلایل آن و لزوم یا عدم لزوم ارسال پرونده به دادگاه جهت محاکمه متهم است؛ مانند قرار منع تعقیب، قرار توقف تعقیب یا قرار جلب به دادرسی. (خالقی ۱۳۹۴، ۲۲۹)

مهمترین مصداق از مصادیق قرارهای مقدماتی، که از یک سو بایستی تضمین کننده آزادی متهم و از سوی دیگر، تضمین کننده حضور وی نزد مقام قضایی باشد، قرارهای تأمین کیفری است. که خود از حیث شدت و ضعف دارای مراتب متفاوت می‌باشد (طهماسبی ۱۳۹۴، ۱۱۸) این مصادیق قرار ذیل است:

۴-۱. قرار التزام به حضور؛ با قول شرف

این قرار؛ خفیف‌ترین قرار تأمین و در عین حال، کم استفاده‌ترین آن‌هاست. با صدور این قرار، که قاعدتاً باید در جرائم کم اهمیت مورد استفاده قرار گیرد، مرجع تحقیق، از متهم می‌خواهد که متعهد شود که هرگاه به او نیاز باشد و به مراجع قضایی احضار شود، حاضر گردد و برای اطمینان از انجام این تعهد خود، قول شرف دهد. با قبول این التزام، متهم تعهد می‌نماید که در زمان و مکان مقرر در احضارنامه حضور یابد و شرف خود را ضامن اجرای این تعهد دستمایه قرار می‌دهد. بدیهی است که بدین ترتیب، این قرار تنها باید در مورد متهمانی صادر گردد که خصوصیات اخلاقی فردی و موقعیت اجتماعی آن‌ها نشان دهد به قول خود پایبند بوده و نسبت به وثیقه گذاشتن شرف خویش، در برابر وجدان خود، احساس مسئولیت می‌کنند؛ زیرا در صورت عدم رعایت تعهد ناشی از این قرار و عدم حضور متهم در مواقعی که احضار می‌شود، ضمانت اجرایی جز سرزنش اخلاقی ناشی از ندای وجدان متهم برای او وجود ندارد و مرجع تحقیق تنها می‌تواند با تشدید تأمین، اقدام به صدور قرار شدیدتری نماید. در صورت عدم قبول التزام به حضور از سوی متهم، بازپرس با توجه به تبصره ۱ ماده ۲۱۷، قرار دوم یعنی قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام را صادر می‌کند. (همان، ۲۲۸)

۲-۴. قرار التزام به حضور؛ با تعیین وجه التزام

به موجب این قرار متهم ملتزم می‌شود که هنگام احضار؛ یعنی زمانی که مراجع قضایی حضور وی را لازم می‌دانند، حاضر شود. در غیر این صورت، متعهد به پرداخت وجهی ملتزم می‌شود که در زمان صدور قرار، توسط بازپرس تعیین و به وی ابلاغ شده است. این قرار که نوعی تعهد بین بازپرس و متهم محسوب می‌شود، با ضمانت اجرای مدنی یعنی پرداخت مبلغ مشخص وجه نقد مواجه است. این قرار نیز همانند قرار التزام به حضور با قول شرف در جرایم کم اهمیت و در مورد متهمین دارای وضعیت اجتماعی مناسب صادر می‌شود. با توجه به اینکه صدور این قرار مستلزم تعیین وجه التزام است، تناسب سازی آن با اهمیت و شدت جرم به خصوص ضرر و زیان وارده به بزه‌دیده ضروری است. به همین لحاظ به موجب تبصره (۱) ماده (۲۱۷) ق.آ.د.ک همانند آنچه در مورد قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام خودداری کند قرار کفالت در مورد وی صادر می‌شود. (طهماسبی ۱۳۹۴، ۱۲۱)

۳-۴. قرار عدم خروج از حوزه قضایی؛ با قول شرف

این قرار اصولاً وسیله‌ای برای حفظ دسترسی به متهم است تا حضور به موقع وی نزد مرجع قضایی ممکن گردد. صدور این قرار در بند (پ) ماده (۲۱۷) ق.آ.د.ک جدید پیش‌بینی شده است. در صورت امتناع متهم از قبول چنین التزامی، قرار کفالت در مورد او صادر می‌گردد. (تبصره ۱ ماده ۲۱۷)

۴-۴. قرار عدم خروج از حوزه قضایی؛ با تعیین وجه التزام

این قرار همچون قرار قبلی است که در مورد آن سخن گفتیم؛ با این تفاوت که در قرار حاضر، خروج از حوزه قضایی بدون اجازه قبلی مرجع قضایی، ضمانت اجرای مالی (یعنی وجه التزام) دارد. قرارهای مذکور متضمن «التزام به حضور» نیز هستند و متهم نمی‌تواند بدون توجه به احضاریه‌ها جهت حضور نزد مرجع قضایی، به عدم خروجش از حوزه قضایی استناد کرده و مدعی عدم تخلف از قرار گردد. بنابراین؛ قرارهای موصوف با یکی از دو امر نقض می‌شوند: ۱. خروج از حوزه قضایی بدون اجازه؛ ۲. عدم حضور نزد مرجع قضایی بدون عذر موجه.

نتیجه عدم پذیرش این قرار توسط متهم نیز صدور قرار کفالت از سوی بازپرس است. (تبصره ۱ ماده ۲۱۷ به نقل از خالقی ۱۳۹۴، ۲۳۰)

۵-۴. قرار التزام به معرفی نوبه‌ای خود به مرجع قضایی یا انتظامی؛ با تعیین وجه التزام

در این قرار، متهم ضمن تعهد به حضور در هر وقتی که بازپرس لازم بداند، به «معرفی نوبه‌ای خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مرجع قضایی یا انتظامی با تعیین وجه التزام» ملتزم می‌شود (بند «ث» ماده ۲۱۷). هدف از صدور این قرار این است که متهم علاوه بر تعهدی که به حضور نزد بازپرس برای رسیدگی به پرونده‌اش دارد، احساس کند که لزوم مراجعه مستمر و نوبه‌ای او به مرجع قضایی یا انتظامی نیز غیبت او را می‌تواند

نمایان سازد و سبب اطلاع بازپرس و دستگیری او گردد. ولی در عین حال باید توجه داشت که اصل آزادی اشخاص و استثنایی بودن ایراد محدودیت بر آن ایجاب می‌کند که معرفی نوبه‌ای متهم برای فواصل کمتر از یک هفته (مثلاً هر روز) یا به مراجعی غیر از مراجع قضایی و انتظامی (مثلاً امنیتی) مقرر نگردد. در صورت امتناع متهم از پذیرش این قرار نیز، قرار کفالت در مورد او صادر می‌شود (تبصره ۱ ماده ۲۱۷). در صورت پذیرش نیز، قرار مذکور با هر یک از این دو تخلف نقض می‌گردد و می‌توان وجه التزام را از متهم گرفت: عدم حضور نزد مرجع قضایی برای رسیدگی، عدم حضور نزد مرجع قضایی یا انتظامی برای معرفی خود. (خالقی ۱۳۹۴، ۲۳۰-۲۳۱)

۱-۵-۴. قرار التزام مستخدمان رسمی

قرار دیگری که در بند «ج» ماده ۲۱۷ پیش‌بینی شده، عبارت است از قرار «التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام، با موافقت متهم و پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوط». این قرار در واقع همان قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام است. احراز این امر با اعلام سازمان محل استخدام متهم مبنی بر پرداخت وجه التزام صورت می‌گیرد. ولی به هیچ وجه این اداره را به کفیل مبدل نساخته و تعهد حاضر کردن متهم را برای آن ایجاد نمی‌کند.

در این قرار، تعهد پرداخت وجه التزام هم بر عهده متهم و هم بر عهده سازمان محل اشتغال اوست و چون هدف از پیش‌بینی این قرار، افزایش امکان پرداخت وجه التزام در صورت تخلف متهم بوده، نه تقسیط پرداخت آن، بنابراین؛ دادستان باید در صورت عدم حضور متهم در وقت مقرر، ابتدا وجه التزام را از متهم مطالبه نماید و چنانچه موفق به اخذ تمام وجه التزام از متهم نشود، مبلغ مورد نظر را از سازمان متعهد، مطالبه کند. دلیل این امر این است که متهم ملتزم به پرداخت تمام وجه التزام به صورت یکجا در صورت تخلف است، اما تعهد سازمان به پرداخت وجه التزام محدود به «حقوق متهم» است و چنانچه حقوق متهم برای پرداخت وجه التزام کافی نباشد، مبلغ مذکور توسط سازمان مذکور تقسیط خواهد شد.

در مورد این قرار، باید به ماده ۲۵۲ ق.آ.د.ک نیز توجه داشت که می‌گوید: «شیوه اجرای قرارهای ... بندهای (ج) و (چ) ماده (۲۱۷) این قانون، به موجب آیین نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری و کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد».

بنابراین، از آنجا که شیوه اجرای قرار مورد بحث به موجب آیین نامه ای خواهد بود که بعداً به تصویب خواهد رسید، باید گفت که تا زمان تصویب و لازم الاجراء شدن آیین نامه مذکور، بازپرس نمی‌تواند به صدور قرار موضوع بند مذکور اقدام نماید. به همین دلیل است که در تبصره ۱ ماده ۲۱۷ ضمانت اجرای عدم پذیرش این قرار توسط متهم پیش‌بینی نشده است. (خالقی ۱۳۹۴، ۲۳۱ و ۲۳۲)

۲-۵-۴. قرار التزام به عدم خروج از منزل

قرار بعدی، قرار «التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات» (بند «ج» ماده ۲۱۷). ابتدا باید دانست که در این قرار، «التزام به حضور نزد مرجع قضایی» هم جزئی از تعهد متهم است و عدم خروج او از منزل یا محل اقامت تعیین شده، به تنهایی برای رعایت قرار، کفایت نمی‌کند.

در این شکل از قرار، متهم متعهد می‌شود که هرگاه برای رسیدگی احضار شود، نزد مرجع قضایی حاضر گردد و برای تسهیل این حضور و حفظ دسترسی به او در طول مدت قرار، از منزل خود یا محل دیگری که با توافق با بازپرس تعیین می‌گردد، خارج نشود. در طول مدت قرار، حضور مستمر متهم در محل تعیین شده، کنترل می‌گردد، یا با وسایل الکترونیکی یا با تجهیزاتی دیگر؛ اما نه اینکه اصلاً نظارتی نباشد. برای اجرای دو تعهد متهم، وجه التزامی نیز در قرار بازپرس تعیین می‌شود که در صورت نقض هر یک از آن‌ها، مبلغ تعیین شده از او اخذ می‌گردد. (خالقی ۱۳۹۴، ۲۳۲-۲۳۴)

۳-۵-۴. قرار کفالت

بند «ح» ماده ۲۱۷ «قرار اخذ کفیل با تعیین وجه الكفاله» یا همان قرار کفالت را نوع دیگری از قرارهای تأمین دانسته است. در این قرار، مرجع تحقیق از متهم می‌خواهد که متعهد گردد که در مواقعی که حضور او برای رسیدگی به پرونده ضرورت داشته باشد، نزد مرجع قضایی حاضر شود و در هنگام سپردن تعهد خود، شخصی را نیز معرفی کند تا در صورت عدم انجام این تعهد توسط او، شخص مذکور متهم را حاضر نماید، در غیر این صورت مبلغی به صندوق دولت بپردازد. بدین ترتیب، در این قرار، دو نفر در برابر مرجع تحقیق ملتزم می‌شوند: یکی متهم که ملتزم به حضور می‌شود، و دیگری شخصی به نام کفیل که ملتزم به حاضر نمودن متهم، (و اگر حاضر ننمود پرداخت وجه الكفاله) می‌گردد. اجرای تعهد اولی منوط به احضار او و اجرای تعهد دومی منوط به عدم اجرای تعهد نفر اول است. (همان، ۲۳۴)

۴-۵-۴. قرار وثیقه

بند «خ» ماده ۲۱۷ «اخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت نامه بانکی، مال منقول و غیر منقول» را نیز یکی دیگر از قرارهای تأمین معرفی نموده است. قرار وثیقه قرار است که به موجب آن، صادر کننده قرار از متهم می‌خواهد که متعهد شود که هرگاه به مرجع قضایی احضار شد، حاضر گردد و برای تضمین انجام این تعهدش وثیقه‌ای به مبلغ معین بسپارد. (خالقی ۱۳۹۴، ۲۴۰)

۵-۵-۴. قرار بازداشت موقت

بازداشت موقت، مهم‌ترین قرار تأمین کیفری است که به موجب آن به منظور تضمین دسترسی به متهم در مواقع لزوم، آزادی رفت و آمد او به طور موقت سلب می‌گردد. به همین دلیل، برخلاف سایر قرارهای تأمین،

این قرار قابل اعتراض است (بند «ب» ماده ۲۷۰ ق.آ.د.ک)، در حالی که دیدیم قرارهای کفالت و وثیقه هم به نفس صدور قابل اعتراض نبودند. قرار بازداشت موقت که به آن توقیف احتیاطی نیز گفته می‌شود، به دلایلی از جمله سلب آزادی شخص قبل از صدور حکم محکومیت او مورد انتقاد قرار گرفته است؛ اما در مقابل دلایلی نیز در توجیه توسل به آن مطرح شده است. (همان، ۲۴۴) در تقابل دلایل موافقان و مخالفان قرار بازداشت موقت، نهایتاً این قرار در ایران پذیرفته شده است.

۵. قرارهای نهایی

قرارهای نهایی قرارهایی هستند که به موجب پایان یافتن انجام تحقیقات مقدماتی شده، پرونده را به بایگانی و یا جهت رسیدگی به دادگاه می‌فرستند. برخی از این قرارها در ماهیت امر صادر شده و مستلزم اظهار نظر درباره کافی بودن یا نبودن دلایل اثبات اتهام است و برخی دیگر، بدون ورود در ماهیت، تنها حاوی اعلام عدم قابلیت تعقیب کیفری متهم و عدم امکان اظهار نظر راجع به اتهام او به دلایلی شکلی است. (همان، ۲۷۸) به عبارت دیگر، منظور از قرار نهایی، قرار است که از پایان تحقیقات مقدماتی خبر می‌دهد. (آخوندی، ۱۳۸۴، ۱۴۲) بر پایه این ضابطه قرارهایی مثل بایگانی شدن پرونده و ترک تعقیب نیز قرار نهایی محسوب می‌شوند. ضابطه دیگر خارج شدن پرونده از تصرف مقام قضایی است. (جوانمرد، ۱۳۹۳، ۳۳۴) به موجب این ضابطه قرارهایی مثل امتناع از رسیدگی به جهت رد دادرسی و عدم صلاحیت نیز نهایی محسوب می‌شوند. این پراکندگی ضابطه سبب شده که از سوی بعضی صاحب نظران قرارهایی مانند قرار عدم صلاحیت و امتناع از رسیدگی جزء قرارهای اعدادی محسوب نشوند و از سویی دیگر؛ نمی‌توان آن‌ها را نهایی تلقی کرد. این امر موجب شده که به تبعیت از مقررات دادرسی مدنی از آن‌ها به عنوان «طواری دادرسی کیفری» نام برده شود. (آشوری، ۱۳۷۵، ۱۳۲) بر اساس یک نظر قرار نهایی قرار است که پس از قطعیت یافتن، نتیجه آن بدون اقدام دیگر و بدون نیاز به انقضای مدت خاص، موجب مختومه شدن پرونده یا صدور کیفرخواست و ارسال آن به دادگاه می‌شود. (طهماسبی، ۱۳۹۴، ۲۵۳) قرارهای نهایی مرجع تحقیق عبارتند از: قرار منع تعقیب؛ قرار موقوفی تعقیب؛ قرار بایگانی تعقیب؛ قرار بایگانی پرونده؛ قرار توقف تحقیقات و قرار جلب به دادرسی. در ادامه به بررسی این موارد می‌پردازیم.

۵-۱. قرار منع تعقیب

این قرار اظهار نظر ماهوی و صریح مرجع تحقیق مبنی بر کافی نبودن دلایل اثبات اتهام متهم است و در مواردی صادر می‌گردد که جرمی واقع نگردیده و یا متهم مرتکب آن نشده باشد. این است که ماده ۲۶۵ ق.آ.د.ک اعلام می‌دارد: «بازپرس ... در صورت جرم نبودن عمل ارتكابی و یا فقدان ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار منع تعقیب صادر و پرونده را فوری نزد دادستان ارسال می‌کند».

منظور از «جرم نبودن عمل ارتكابی» اعم از این است که عمل منتسب به متهم در هیچیک از قوانین جرم شناخته نشده باشد؛ مانند عدم حضور فروشنده در روز مقرر در دفتر اسناد رسمی برای تنظیم سند انتقال مورد معامله، یا اینکه عمل مزبور جرم بوده؛ ولی در پرونده تحت رسیدگی، ارتكاب نیافته باشد، مانند اتهام آدم ربایی در فرضی که معلوم شود بزه دیده ادعایی بالغ و عاقل بوده و با آگاهی و آزادی اراده، همراه متهم رفته باشد. علاوه بر این دو فرض؛ فرض سوم صدور قرار منع تعقیب جایی است که دلیل کافی بر انتساب جرم به متهم وجود نداشته باشد، مانند موردی که پس از طرح شکایت قتل عمدی علیه شخص معین، تحقیقات نشان دهد که قتل واقع شده اما متهم مرتکب این قتل نگردیده است. (خالقی ۱۳۹۴، ۲۷۹ - ۲۸۰)

۲-۵. قرار موقوفی تعقیب

این قرار یک قرار شکلی و به معنای عدم امکان ادامه تعقیب کیفری و انجام تحقیقات مقدماتی، قطع نظر از دلایل اثبات اتهام است. به عبارت دیگر؛ این قرار در مواردی صادر می‌شود که از نظر مرجع تحقیق، متهم به دلایل شکلی غیر مرتبط با ارتكاب عمل، غیر قابل تعقیب کیفری است. بیشتر موارد صدور قرار موقوفی تعقیب در ماده ۱۳ ق.آ.د.ک ذکر شده است و بر اساس آن: «تعقیب امر کیفری که طبق قانون شروع شده و همچنین اجرای مجازات موقوف نمی‌شود؛ مگر در موارد زیر: الف - فوت متهم یا محکوم علیه؛ ت - نسخ مجازات قانونی؛ ث - شمول مرور زمان در موارد پیش‌بینی شده در قانون؛ ج - توبه متهم در موارد پیش‌بینی شده در قانون؛ چ - اعتبار امر مختوم».

علاوه بر این موارد؛ در موارد دیگری هم ممکن است که به لحاظ شکلی و قطع نظر از تحقق یا عدم تحقق جرم، متهم قابل تعقیب نباشد. در این صورت نیز قرار موقوفی تعقیب صادر می‌گردد. به همین جهت است که بند «پ» ماده ۳۸۹ ق.آ.د.ک در مورد تکلیف دادگاه کیفری یک در باره متهم می‌گوید: «... در صورتی که به دلیل شمول مرور زمان، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی و یا جهات قانونی دیگر، متهم قابل تعقیب نباشد، قرار موقوفی تعقیب صادر می‌کند...» همچنین، در صورت احراز جنون متهم در زمان ارتكاب جرم، وی به دلیل فقدان مسئولیت کیفری، قابل تعقیب نیست و به استناد ماده ۲۰۲ ق.آ.د.ک در مورد او قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود. (خالقی ۱۳۹۴، ۲۸۰ - ۲۸۱)

۳-۵. قرار بایگانی پرونده

این قرار اصولاً در راستای اعمال اصل موقعیت داشتن یا مناسب بودن تعقیب و به عنوان یکی از جایگزین‌های تعقیب توسط دادستان مورد استفاده قرار می‌گیرد. به همین دلیل، در متن اولیه لایحه ق.آ.د.ک، صدور این قرار از اختیارات دادستان شناخته شده بود؛ اما از آنجا که این قرار تنها برای جرایم کم اهمیت یعنی جرایم تعزیری درجه هفت و هشت پیش‌بینی شده بود و همان طور که قبلاً دیدیم در این جرایم، با طرح مستقیم پرونده در دادگاه تحقیقات مقدماتی و رسیدگی توسط قاضی دادگاه انجام می‌شود (ماده ۳۴۰). در قرار بایگانی پرونده

نیز اصلاحاتی به عمل آمد و در مورد مقام صادر کننده این قرار از کلمه «مقام قضایی» به جای «دادستان» استفاده شد. در نتیجه هم اکنون ماده ۸۰ ق.آ.د.ک اصلاحی ۹۴/۳/۲۴ می‌گوید:

«در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت؛ چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد، در صورت فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری، مقام قضایی می‌تواند پس از تفهیم اتهام با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم شده است و در صورت ضرورت با اخذ التزام کتبی از متهم برای رعایت مقررات قانونی، فقط یکبار از تعقیب متهم خودداری نماید و قرار بایگانی پرونده را صادر کند. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض است». (خالقی ۱۳۹۴، ۲۸۱ و ۲۸۲)

۴-۵. قرار توقف تحقیقات

شناسایی متهم یکی از اهداف تحقیقات مقدماتی (ماده ۹۰ ق.آ.د.ک) و از وظایف مرجع تحقیق است. بنابراین؛ عدم معرفی وی توسط شاکی و ناشناخته بودن هویت او، یا به تعبیری «معین نبودن» متهم، دلیل موجهی برای عدم انجام تحقیق در این خصوص تلقی می‌شود.

با این حال؛ گاه نحوه ارتکاب جرم، اوضاع و احوال و پیچیدگی‌هایی آن به شکلی است که با وجود تلاش فراوان نمی‌توان مرتکب را شناسایی نمود. تنها در این فرض؛ یعنی اگر «هویت مرتکب جرم معلوم نشود» (نه اینکه متهم «دستگیر نشود»)، پس از گذشت دو سال، بازپرس می‌تواند با موافقت دادستان در برخی جرایم تعزیری، قرار توقف تحقیقات صادر نماید. ماده ۱۰۴ ق.آ.د.ک در این زمینه می‌گوید: «بازپرس نمی‌تواند به عذر آنکه متهم معین نیست، مخفی شده و یا دسترسی به او مشکل است، تحقیقات خود را متوقف کند. در جرایم تعزیری درجه چهار، پنج، شش، هفت و هشت، هرگاه با انجام تحقیقات لازم، مرتکب جرم معلوم نشود و دو سال تمام از وقوع جرم بگذرد، با موافقت دادستان، قرار توقف تحقیقات صادر و پرونده به طور موقت بایگانی و مراتب در مواردی که پرونده شاکی دارد، به شاکی ابلاغ می‌شود...».

در هر حال؛ علاوه بر اینکه صدور این قرار می‌تواند مورد اعتراض شاکی قرار گیرد، هر زمان هم که شاکی هویت مرتکب را به دادستان اعلام کند یا مرتکب به نحو دیگری شناخته شود، به دستور دادستان موضوع مجدداً تعقیب می‌شود. (قسمت اخیر ماده ۱۰۴ ق.آ.د.ک، به نقل از خالقی ۱۳۹۴، ۲۸۲ - ۲۸۳)

۵-۵. قرار جلب به دادرسی

در صورتی که به عقیده مرجع تحقیق، دلایل کافی بر وقوع جرم و ارتکاب آن توسط متهم وجود داشته و وی شایسته محاکمه در دادگاه باشد، قرار جلب به دادرسی صادر می‌شود. به منظور یادآوری اینکه در دادسرا فقط در مورد کفایت دلایل اتهام جهت محاکمه متهم در دادگاه اظهار نظر می‌شود، نه در باره مجرمیت یا برائت او، ماده ۲۶۵ ق.آ.د.ک، عنوان «قرار جلب به دادرسی» را جایگزین عنوان سابق یعنی «قرار مجرمیت» نموده و

اعلام کرده است: «بازپرس در صورت جرم بودن عمل ارتكابی و وجود ادله كافی برای انتساب جرم به متهم، قرار جلب به دادرسی ... صادر و پرونده را فوری نزد داستان ارسال می‌کند». (همان، ۲۸۴)

۶. فرایند تحقیقات مقدماتی در قانون اجرائات جزایی افغانستان

۶-۱. ویژگی‌ها و مفهوم تحقیقات مقدماتی در قانون اجرائات جزایی ا.

از تحقیقات مقدماتی در قانون اجرائات جزایی افغانستان تعریفی نشده؛ اما تعریفی از تحقیق جرم تعریف ارائه شده است. که به موجب ماده ۴ ق.ا.ج مقرر می‌دارد: «تحقیق جرم: بررسی همه جانبه واقعه جرمی است به اساس دلایل جمع آوری شده توسط سارنوال به طریق استجواب و استنطاق از متهم، استماع بیانات یا اظهارات شهود و مطلعین و ارزیابی دلایل و مدارک جرمی جمع آوری شده به منظور تثبیت وقوع یا عدم وقوع جرم، شناخت مرتکب و انتساب اتهام به متهم در حدود احکام قانون».

۶-۲. ویژگی‌های تحقیقات مقدماتی

تحقیقات مقدماتی چیست؟ و از چه ویژگی‌های برخوردار است؟
تحقیقات مقدماتی دارای ویژگی‌های خاصی است؛ ضوابط حاکم بر آن، از این ویژگی‌ها شکل می‌گیرد.

۶-۲-۱. محرمانه بودن

تحقیقات مقدماتی به صورت محرمانه انجام می‌شود. به این معنی که تمام افراد و مقاماتی که در انجام آن نقش دارند از جمله پولیس عدلی، کارشناسان، اهل خبره، کارمندان سارنوالی، شهود، مترجمان و حتی سارنوال و دیگر مقامات قضایی، حق افشاء محتویات آن را ندارند و همچنین افراد عادی حق حضور در جلسه تحقیق مقدماتی را ندارند. بنابراین؛ هر گونه مصاحبه انتشار مطلب یا اعلام خبر که متضمن افشای هویت متهم، متضرر، شاهد و یا دیگر محتویات دوسیه باشد با محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی منافات داشته و نقض ضوابط تحقیقات مقدماتی محسوب می‌شود که در این مورد در قانون اجرائات جزایی افغانستان چیزی بیان نشده است.

۶-۲-۲. علنی بودن

علنی بودن رسیدگی به این معنی است که هر شخص می‌تواند بدون محدودیت تا جایی که فضای محکمه ظرفیت دارد، در جلسه تحقیق حضور پیدا کند و ناظر بر محاکمات باشد. علنی بودن محاکمات سازوکاری است که عملکرد قاضی را در معرض قضاوت جامعه قرار می‌دهد و سبب تحقق نظارت عمومی بر محاکمات است.

این نوع نظارت دلیل مؤثری در رعایت اصل استقلال و بی طرفی قاضی است. که در قانون افغانستان نیز تحقیقات مقدماتی به صورت علنی می‌باشد و در حضور وکیل مدافع مظنون یا متهم صورت می‌گیرد. به موجب فقره یک ماده (۱۴۵) ق.ا.ج که مقرر می‌دارد:

«(۱) تحقیق در تمام جرایم جنایت و جنحه حتمی بوده و مطابق احکام این قانون توسط سارنوال در حضور وکیل مدافع مظنون یا متهم، صورت می‌گیرد».

و همچنین ماده ۲۱۳ ق.ا.ج.ا در این باره می‌گوید:

«جلسه قضائی علنی بوده، هر شخص می‌تواند در آن حضور یابد، مگر اینکه، رئیس بخشی از جلسه یا تمام آنرا نظر به دلایل اخلاقی، حفظ اسرار خانوادگی یا حفظ نظم یا امن عامه، سری اعلان نماید».

ماده دو صد و چهاردهم قانون اجرائات جزایی در مورد توزیع کارت در این باره می‌گوید:

«رئیس جلسه قضائی می‌تواند با در نظر داشت ظرفیت سالون جلسه قضائی، ورود اشخاص را محدود و غرض دخول به آن کارت مخصوص توزیع نماید».

۳-۲-۶. تدافعی بودن

تدافعی بودن محاکمات به این معنا است که طرفین دعوا یا وکلاء آنها همزمان در یک جلسه نزد مراجع قضایی حاضر و به بیان مواضع خود و پاسخ به اظهارات طرف مقابل بپردازند. این خصیصه از ویژگی‌های نظام اتهامی است؛ زیرا در نظام‌های تفتیشی وضعیت کاملاً متمایز است.

در قانون اجرائات جزایی افغانستان نیز تحقیقات مقدماتی به صورت تدافعی است. به محضی که متهم به

تحقیقات آورده می‌شود، برای او وکیل تعیین می‌شود. فقره یک ماده (۱۴۵) ق.ا.ج چنین مقرر می‌دارد:

«(۱) تحقیق در تمام جرایم جنایت و جنحه حتمی بوده و مطابق احکام این قانون توسط سارنوال در حضور وکیل مدافع مظنون یا متهم، صورت می‌گیرد».

۴-۲-۶. بی طرفی

بی طرفی به این معنا است که سارنوال باید باکمال بی طرفی و بدون داشتن تمایل به یکی از اصحاب دعوا؛ یعنی بدور از هر گونه جانب داری، تحقیقات مقدماتی را انجام دهد. بنابراین، وی موظف است نه تنها دلایل مبنی بر توجیه اتهام به متهم؛ بلکه باید دلایلی که له او است را نیز جمع‌آوری کند. سارنوال باید در پی دستیابی به حقیقت و روشن شدن واقعیت‌های مربوط به ارتکاب جرم باشد. بر همین اساس؛ رسیدن به این هدف زمانی ممکن است که تفاوتی بین جمع‌آوری دلایل و اوضاع و احوال له و علیه متهم قائل نشود. بی طرفی تنها اختصاص به مرحله جمع‌آوری دلایل ندارد؛ بلکه در هنگام اظهار نظر نهایی نیز مطرح است. سارنوال نباید نسبت به یکی از طرفین دعوا اعم از متضرر و متهم تمایل خاصی داشته باشد و از خواسته‌های او پیروی کند؛ بلکه باید در تحقیقات و اظهار نظر قضایی تنها به استناد واقعیت‌های موجود در دوسیه اقدام کند.

سارنوالان مؤظفند که تمام مدارک و اسناد که به نفع و ضرر مظنون و متهم است را جمع‌وری، ثبت، ارزیابی و نگهداری نمایند. ماده بیستم قانون اجرائات جزایی در این باره می‌گوید: «مامور ضبط قضائی و سارنوالان مکلف‌اند، جهت روشن شدن تمامی حالات مربوط به قضیه، مطابق احکام این قانون بدون در نظر داشت منفعت و ضرر مظنون و متهم، به جمع‌آوری، ثبت، ارزیابی و نگهداری دلایل و مدارک اقدام نمایند». ماده (یکصد و چهل و ششم ق.ا.ج.) در این باره می‌گوید:

سارنوال در جریان تحقیق به منظور تثبیت دلایل موثر جمع‌آوری شده، ارزیابی‌های ذیل را به عمل می‌آورد:

- ۱- استنطاق از متهم.

- ۲- استجواب از شهود به صورت جداگانه.

- ۳- مقابله شهود و مقایسه شهادت و نظریات ارائه شده.

- ۴- ارزیابی مدارک و اشیای به دست آمده از محل وقوع جرم.

- ۵- بازرسی اوراق حساسی و مالی.

- ۶- تفتیش منازل و سایر ساختمان‌ها.

- ۷- مطالبه نظر اهل خبره، بررسی و تأیید یا رد آن و یا مطالبه توضیحات بیشتر در زمینه.

- ۸- صدور هدایات لازم جهت به کارگیری سایر روش‌های که ممد کشف بوده و با احکام این قانون مغایرت نداشته باشد».

ماده (۱۴۵ ق.ا.ج.) در این باره می‌گوید: «(۱). تحقیق در تمام جرایم جنایت و جنحه حتمی بوده و مطابق احکام این قانون توسط سارنوال در حضور وکیل مدافع مظنون یا متهم، صورت می‌گیرد. (۲) هدف از تحقیق، دستیابی به حقایق قضیه، یقین بر وقوع جرم و شناسائی مرتکب آن می‌باشد، سارنوال به این منظور حالات ذیل را در نظر می‌گیرد:

- ۱- ارزیابی همه جانبه قضیه به منظور تثبیت اهلیت مظنون یا متهم و وصف قانونی جرم ارتکاب یافته، نحوه ارتکاب و انگیزه وقوع جرم.

- ۲- شناسائی مرتکب، ارزیابی سوابق و تشخیص سهم او در احداث نتیجه، نحوه انجام عمل و اسباب آن.

- ۳) سارنوال مکلف است از امکاناتی که قانوناً بر شناخت جرم و مرتکب آن و رسیدن به حقایق دلالت نماید، استفاده به عمل آورد. سارنوال دلایل اثبات جرم و دلایل تبرئه کننده را علی‌السویه جمع‌آوری و ارزیابی می‌نماید.

- ۴) سارنوال در جرم مشهود که جنایت باشد شخصاً به محل واقعه حضور می‌یابد و راجع به حفظ آثار و جمع‌آوری دلایل اثبات جرم هدایت می‌دهد.

سارنوال اظهارات شهود، نظریات و اقوال مجنی‌علیه و سایر اشخاصی را که در مورد قضیه معلومات دارند، استماع می‌نماید.

(۵) سارنوال بر مطالعات و بررسی‌های اهل خبره نظارت نموده، سوالات مشخص را مطرح و توضیحات لازم را مطالبه می‌نماید.

(۶) سارنوال از هر شخصی مرتبط به قضیه جرمی که خواسته باشد به ارتباط جرم استجواب به عمل می‌آورد و از متهم شخصاً استنطاق می‌کند».

(۷) سارنوال می‌تواند حین تحقیق، همکاری پولیس و مؤظف امنیت ملی و سایر مراجع را مطالبه نموده و بر اجرائات آنها نظارت نماید.

(۸) تحقیق جرایم غیر وظیفوی پولیس، منسویین قوای مسلح، مؤظفین امنیت ملی و منسویین عسکری سایر ادارات دارای تشکیلات عسکری، تابع احکام این قانون می‌باشد».

۵-۲-۶. سرعت و استمرار

تحقیقات مقدماتی باید سریع باشد. سارنوال تحقیق که تحقیقات مقدماتی را انجام می‌دهد نباید در تحصیل و جمع آوری اسناد و دلایل جرم تعلل ورزد؛ بلکه مکلف است اقدامات ضروری را بدون فوت وقت انجام دهد و بکوشد برای پیش‌گیری از امحای آثار جرم و ممانعت از فرار و یا مخفی شدن متهم، لحظه‌ای غفلت یا تأخیر نشود. تسامح در تحقیقات مقدماتی ممکن است نتیجه زیان‌باری داشته باشد و سبب شود که آثار و علائم جرم از بین برود و یا متهم فرار کند و یا مخفی گردد که در این صورت تدارک آن بعدها امکان نداشته، یا دشوار باشد. بر همین اساس به موجب ماده (۱۵۵) ق.ا.ج. فقرة ۲ مقرر می‌دارد: « سارنوال می‌تواند در حالات ذیل قضایای مختلف را از هم تفریق و تفکیک نماید: ۱- در صورتی که تحقیق در حوزه واحد، مانع سرعت در اجرائات تحقیق گردد...».

۶-۲-۶. کتبی بودن

تحقیقات مقدماتی در قانون اجرائات جزایی افغانستان به صورت کتبی است. موضوع تحقیق، شهرت متهم، شهرت مأمورین ضبط قضایی و کلیه تحقیقات مقدماتی هر شکلی که باشد نشانگر نحوه اقدام و عملکرد مجری مرحله تحقیقات مقدماتی است. جریان وقوع جرم و چگونگی کشف آن را برای دیگران بازگو می‌کند و پایه و مبنای محاکمات جزایی قرار می‌گیرد. دلایل، قراین و امارات درج شده در آن، بزهکاری یا بی‌گناهی متهم را می‌رساند. در حقیقت سرنوشت قضایی متهم بستگی زیاد به چگونگی شکل‌گیری این اوراق دارد. باید در تحریر و تنظیم و نگهداری آنها نهایت دقت به عمل آید تا از تضییع حقوق شاکی، متهم و جامعه جلوگیری شود. بر همین اساس ماده (۱۶۱) ق.ا.ج. مقرر می‌دارد: «(۱) سارنوال مکلف است حین اجرای تحقیق، محضری را که حاوی مطالب ذیل باشد، به قید فهرست، ترتیب نماید:

۱- موضوع تحقیق.

۲- شهرت متهم، مجنی علیه، شهود، مدعی حق العبد و سایر اشخاصی که اظهارات یا معلومات آنها درج اوراق تحقیق می‌باشد.

۳- شهرت مامورین ضبط قضائی و عمل کرد آنها و اهل خبره اگر مؤظف گردیده باشد با اشاره به محضر کشف.

۴- محل اجرای تحقیق.

۵- تاریخ آغاز و انجام تحقیق.

۶- شهرت سارنوال.

۷- معلومات راجع به شخصیت متهم و سابقه جرمی، موقف اجتماعی، حالت روانی، شغل و پیشه و سلوک خانوادگی وی و سایر معلومات در مورد واقعه جرمی، نحوه انجام، زمان و مکان ارتکاب جرم.

۸- نتایجی که بعد از انجام تحقیق راجع به چگونگی اعمال انجام شده از طرف متهم و اثرات آن در ارتکاب جرم به دست آمده است.

۹- دلایل، شواهد و مدارک جمع‌آوری شده که بتواند گویای نقش متهم و اثرات عملکرد او در ارتکاب جرم باشد.

۱۰- ذکر ماده قانونی که عمل مرتکب را جرم شناخته و بر آن جزاء مترتب نموده است.

(۲) محضر از طرف سارنوال تحقیق امضاء و محضر کشف به آن ضمیمه می‌شود».

۷. مراجع انجام دهنده تحقیقات مقدماتی

۷-۱. بازپرس یا قاضی تحقیق

در قانون افغانستان مرجعی به نام بازپرس یا قاضی تحقیق که تحقیقات مقدماتی را انجام دهد وجود ندارد. تحقیقات مقدماتی از وظایف سارنوال تحقیق است نه قاضی تحقیق.

۷-۲. دادستان (سارنوال)

در قانون افغانستان مرجع تحقیقات مقدماتی، بر عهده سارنوال است. دو سارنوال وجود دارد؛ یکی سارنوال تحقیق و دیگری سارنوال تعقیب. تحقیق جرایم از وظایف سارنوال ذیصلاح تحقیق می‌باشد. ماده یکصد و چهل و هفتم قانون اجرائات جزایی در این باره می‌گوید:

«تحقیق جرم به صورت عادی بالترتیب از صلاحیت سارنوالی محل وقوع جرم، محل گرفتاری و محل سکونت متهم می‌باشد.

این امر مانع تحقیق سارنوالان دیگر هر یک در حوزه مربوطه و یا تعیین سارنوال توسط لوی سارنوال در قضایای مشخص نمی‌گردد» و همچنین ماده (۱۴۵) ق.ا.ج فقرة یک مقرر می‌دارد: «(۱) تحقیق در تمام جرایم

جنایت و جناحه حتمی بوده و مطابق احکام این قانون توسط سارنوال در حضور وکیل مدافع مظنون یا متهم، صورت می‌گیرد»؛

بنابراین، از این دو ماده فهمیده می‌شود که تحقیقات مقدماتی از وظایف سارنوال تحقیق می‌باشد.

۷-۳. معاون دادرسی

در رابطه به معاون دادرسی نیز در قانون اجرائات جزایی افغانستان چیزی بیان نشده است و این نشانگر آن است که سارنوال تحقیق فاقد معاون می‌باشد.

۷-۴. دادیار

در مورد دادیار نیز هیچ ماده‌ای بیان نشده است و این مورد نمایانگر آن است که در ق.ا.ج.ا مرجعی به نام دادیار که جانشین سارنوال باشد وجود ندارد.

۷-۵. دادرسی دادگاه

در ق.ا.ج.ا مرجعی به نام دادرسی دادگاه که جانشین دادیار است نیز وجود ندارد. و مورد توجه قانون‌گذار قرار نگرفته است.

۷-۶. رییس یا دادرسی علی‌البدل دادگاه عمومی بخش

در ق.ا.ج.ا همچنان مرجعی به نام رییس یا دادرسی علی‌البدل دادگاه عمومی بخش که تحقیقات مقدماتی را انجام دهد وجود ندارد.

۸. شروع به تحقیقات مقدماتی

بعد از اینکه مجرم توسط پلیس دستگیر شد، نوبت به تحقیق از وی می‌رسد. این کار توسط سارنوال انجام می‌شود و سارنوال به حیث مدعی‌العموم و به نمایندگی از جامعه به تحقیق از مظنون و در صورت که دلایل کافی نسبت به ارتکاب جرم توسط مظنون به دست آورد، به اقامه دعوی جزایی می‌پردازد و اتهام‌نامه علیه آن شخص تنظیم می‌نماید و فقره چهارم قانون اجرائات جزای در این باره می‌گوید: «تحقیق جرم: بررسی همه جانبه واقعه جرمی است. به اساس دلایل جمع آوری شده توسط سارنوال به طریق استجواب و استنطاق از متهم، استماع بیانات یا اظهارات شهود و مطلعین و ارزیابی دلایل و مدارک جرمی جمع‌آوری شده به منظور تثبیت وقوع یا عدم وقوع جرم، شناخت مرتکب و انتساب اتهام به متهم در حدود احکام قانون». ماده (۱۴۵) ق.ا.ج. در این باره می‌گوید: «(۱) تحقیق در تمام جرایم جنایت و جناحه حتمی بوده و مطابق احکام این قانون توسط سارنوال در حضور وکیل مدافع مظنون یا متهم، صورت می‌گیرد».

(۲) هدف از تحقیق، دستیابی به حقایق قضیه، یقین بر وقوع جرم و شناسائی مرتکب آن می‌باشد...».

۸-۱. چنانچه سارنوال ناظر وقوع جرم باشد

در افغانستان که سارنوال مرجع انجام دهنده تحقیقات مقدماتی می‌باشد و خود ناظر بر وقوع جرم است، به بازپرس یا همان (قاضی تحقیق) نیازی نیست؛ سارنوال کار را انجام می‌دهد. فقره چهارم ماده (۱۴۵) چنین مقرر می‌دارد: «(۴) سارنوال در جرم مشهود که جنایت باشد شخصاً به محل واقعه حضور می‌یابد و راجع به حفظ آثار و جمع‌آوری دلایل اثبات جرم هدایت می‌دهد».

۸-۲. کشف جرم ضمن تحقیق جرم دیگر

اگر سارنوال جرمی را در ضمن جرم دیگر کشف کند، در این صورت نیز تحقیقات مقدماتی جرم جدید شروع می‌شود. به موجب فقره یک ماده (۱۵۵) مقرر می‌دارد: «(۱) سارنوال می‌تواند در حالات ذیل قضایای مختلف را یکجا دسته بندی نماید:

- ۱- در صورتی که جرایم متعدد به منظور تأمین هدف واحد از طرف یک یا چند نفر انجام شده باشد.
- ۲- در صورتی که تحقیقات مختلف در رابطه به مرتکبین جرم واحد در حوزه‌های مختلف جریان داشته باشد.
- ۳- در صورتی که دلایل اثبات، به جرایم مختلف و یا اشخاص متعدد ارتباط داشته باشد».

۹. قرارهای تأمین

چنانچه در فصل قبلی گفته شد. قرارها دو نوع است. قرار تمهیدی؛ مانند قرار تأمین و قرار نهایی که به موجب ماده (۴) ق.ا.ج مقرر می‌دارد: «...۱۰- قرار: تصمیمی است که مطابق احکام قانون در مرحله تحقیق توسط سارنوالی و در جریان محاکمه از طرف محکمه راجع به تحریک و تعقیب دعوای جزائی یا انصراف از آن یا سایر موارد مربوط اتخاذ می‌شود»
در ادامه به بررسی این قرارها می‌پردازیم.

۹-۱. قرار التزام به حضور با قول شرف

این قرار خفیف‌ترین قرار تأمین و در عین حال، کم استفاده‌ترین آن‌هاست. با صدور این قرار، که قاعدتاً باید در جرائم کم اهمیت مورد استفاده قرار گیرد، مرجع تحقیق از متهم می‌خواهد که متعهد شود که هرگاه به او نیاز بود و به مراجع قضایی احضار شد، حاضر گردد، و برای اطمینان از انجام این تعهد خود، قول شرف دهد. با قبول این التزام، متهم تعهد می‌نماید که در زمان و مکان مقرر در احضارنامه، حضور یابد؛ وی شرف خود را ضامن اجرای این تعهد اعلام می‌کند. بدیهی است که بدین ترتیب، این قرار تنها باید در مورد متهمی صادر گردد که خصوصیات اخلاقی فردی و موقعیت اجتماعی آن‌ها نشان می‌دهد که به قول خود پایبند بوده و نسبت به وثیقه گذاشتن شرف خویش، در برابر وجدان خود، احساس مسئولیت می‌کنند؛ زیرا در صورت عدم رعایت تعهد ناشی از این قرار و عدم حضور متهم در مواقعی که احضار می‌شود،

ضمانت اجرایی جز سرزنش اخلاقی ناشی از ندای وجدان متهم برای او وجود ندارد و مرجع تحقیق تنها می‌تواند با تشدید تأمین، اقدام به صدور قرار شدیدتری نماید. (خالقی ۱۳۹۴، ۲۲۸) اما در قانون اجرائات جزایی افغانستان چنین قراری در قانون پیش‌بینی نگردیده است.

۲-۹. قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام (رهائی باضمانت و كفالت)

به موجب این قرار متهم ملتزم می‌شود که هنگام احضار یعنی زمانی که مراجع قضایی حضور وی را لازم می‌دانند، حاضر شود. در غیر این صورت، متعهد به پرداخت كفالت بالمال می‌شود که در زمان صدور قرار توسط قانون تعیین و به وی ابلاغ شده است؛ این مورد در قانون اجرائات جزایی افغانستان به نام رهایی به كفالت بالمال یاد می‌شود. بر همین اساس ماده (۱۰۵) ق.ا.ج مقرر می‌دارد: «سارنوالی و محکمه با وجود دلایل اثبات با رعایت حالات مندرج فقره (۳) ماده نود و نهم این قانون می‌توانند به اساس تصمیم خود یا درخواست شخص تحت توقیف یا نماینده قانونی وی، امر رهائی مؤقت متهم را به كفالت بالمال یا بدون آن صادر نمایند».

۳-۹. قرار عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف

این قرار اصولاً وسیله‌ای برای حفظ دسترسی به متهم است تا حضور به موقع وی نزد مرجع قضایی ممکن گردد اما چنین قراری در قانون اجرائات جزایی افغانستان پیش‌بینی نشده است.

۴-۹. قرار عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام

این قرار نیز در قانون اجرائات جزایی افغانستان پیش‌بینی نشده است.

۵-۹. قرار التزام به معرفی نوبه‌ای خود به مرجع قضایی یا انتظامی با تعیین وجه التزام

در این قرار، متهم ضمن تعهد، ملتزم به «معرفی نوبه‌ای خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مرجع قضایی یا انتظامی با تعیین وجه التزام» می‌شود. این قرار نیز در قانون اجرائات جزایی پیش‌بینی نشده است.

۶-۹. قرار التزام مستخدمان رسمی

این قرار نیز در قانون اجرائات جزایی افغانستان پیش‌بینی نشده است.

۷-۹. قرار التزام به عدم خروج از منزل

این قرار نیز در قانون اجرائات جزایی پیش‌بینی نشده است.

۸-۹. قرار كفالت

این قرار نیز در قانون اجرائات جزایی افغانستان پیش‌بینی نشده است.

۹-۹. قرار وثیقه

قرار وثیقه، قراری است که به موجب آن، صادر کننده قرار از متهم می‌خواهد که متعهد شود که هرگاه به مرجع قضایی احضار شد حاضر گردد، و برای تضمین انجام این تعهدش وثیقه‌ای به مبلغ معین بسپارد. (خالقی ۱۳۹۴، ۲۴۰) این قرار نیز در قانون اجرائات جزایی پیش‌بینی نشده است.

۹-۱۰. قرار بازداشت موقت (توقیف)

آزادی حق اولیه هر فرد است. در ماده بیست و چهارم قانون اساسی آمده است: آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران مصالح عامه که توسط قانون تنظیم می‌گردد، حدودی ندارد. آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است. دولت به احترام و حمایت از آزادی و کرامت انسان مکلف می‌باشد. با این وجود، در موارد زیر، قانون اجازه توقیف افراد را می‌دهد و ماده (۹۹) ق.ا.ج. در این باره می‌گوید: «(۱) مظنون یا متهم مطابق به احکام این قانون می‌تواند توقیف شود. (۲) مسئولین توقیف خانه‌ها نمی‌توانند بدون اوامر و قرارهای مقامات ذیصلاح مندرج این قانون مظنون یا متهم را در توقیف‌خانه قبول یا وی را بیشتر از میعاد معینه که در امر توقیف ذکر شده است در توقیف‌خانه نگهدارند.

(۳) سارنوالی و محکمه در یکی از حالات ذیل می‌تواند قرار توقیف مظنون یا متهم جنحه یا جنایت را

صادر نماید:

- ۱- در صورت موجودیت دلایل اثبات مبنی بر ارتکاب جرم جنایت.
- ۲- در صورت ارتکاب جرم مشهود.
- ۳- در صورتی که هویت مظنون یا متهم معلوم نباشد.
- ۴- در صورتی که خوف اخفا یا فرار مظنون یا متهم در جرم موجود باشد.
- ۵- در صورتی که خوف ضیاع یا تغییر مدارک و اسناد جرمی موجود باشد.
- ۶- در صورتی که مظنون یا متهم در حوزه مربوطه، محل اقامت دائمی نداشته باشد».

۱۰. قرارهای نهایی

قرارهای نهایی قرارهایی هستند که به موجب پایان یافتن انجام تحقیقات مقدماتی شده، پرونده را به بایگانی و یا جهت رسیدگی به دادگاه می‌فرستند. برخی از این قرارها در ماهیت امر صادر شده و مستلزم اظهار نظر در باره کافی بودن یا نبودن دلایل اثبات اتهام است و برخی دیگر، بدون ورود در ماهیت، تنها حاوی اعلام عدم قابلیت تعقیب کیفری متهم و عدم امکان اظهار نظر راجع به اتهام او به دلایلی شکلی است. (خالقی ۱۳۹۴، ۲۷۸) به عبارت دیگر؛ منظور از قرار نهایی قراری است که از پایان تحقیقات مقدماتی خبر می‌دهد. (آخوندی

(۱۳۸۸، ۱۴۲)

قرارهای نهایی مرجع تحقیق عبارتند از قرار منع تعقیب، قرار موقوفی تعقیب، قرار بایگانی پرونده، قرار توقف تحقیقات و قرار جلب به دادرسی. در ادامه به بررسی این موارد می‌پردازیم.

۱-۱۰. قرار منع تعقیب (قرار عدم لزوم دعوای جزایی)

این قرار اظهار نظر ماهوی و صریح مرجع تحقیق مبنی بر کافی نبودن دلایل اثبات اتهام متهم است و در مواردی صادر می‌گردد که جرمی واقع نگردیده و یا متهم مرتکب آن نشده باشد. این مورد در قانون اجرائات جزایی افغانستان به نام قرار عدم لزوم دعوای جزایی نامیده می‌شود. به موجب ماده (۱۶۹) فقره یک که مقرر می‌دارد: «(۱) هرگاه دلایل اثبات علیه متهم موجود نبوده، سارنوال قرار عدم لزوم اقامه دعوای جزائی را صادر و در صورتی که متهم در قضیه دیگری تحت توقیف نباشد، رها می‌گردد. در صورتی که توقیف متهم به تجویز محکمه صورت گرفته باشد، موضوع به محکمه مربوط گزارش داده می‌شود».

۲-۱۰. قرار موقوفی تعقیب

این قرار یک قرار شکلی و به معنای عدم امکان ادامه تعقیب کیفری و انجام تحقیقات مقدماتی، قطع نظر از دلایل اثبات اتهام است. به عبارت دیگر، این قرار در مواردی صادر می‌شود که از نظر مرجع تحقیق، متهم به دلایل شکلی غیر مرتبط با ارتکاب عمل، غیر قابل تعقیب کیفری است. این قرار نیز در قانون اجرائات جزایی پیش‌بینی نشده است.

۳-۱۰. قرار بایگانی پرونده (امر حفظ دوسیه)

این قرار اصولاً در راستای اعمال اصل موقعیت داشتن یا مناسب بودن تعقیب و به عنوان یکی از جایگزین‌های تعقیب توسط سارنوال مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر همین اساس ماده (۱۷۴) ق.ا.ج.ا مقرر می‌دارد: «اوامر صادره از طرف سارنوال مبنی بر عدم لزوم اقامه دعوای جزائی، مانع اعاده اجرائات تعقیب عدلی قضیه با فراهم شدن زمینه مساعد و اسباب آن نمی‌گردد؛ مگر اینکه قضیه بر اساس مرور زمان یا سایر اسباب به سقوط مواجه گردیده باشد».

۴-۱۰. قرار توقف تحقیقات

این قرار نیز در قانون اجرائات جزایی افغانستان پیش‌بینی نشده است.

۵-۱۰. قرار جلب به دادرسی

این قرار نیز در قانون اجرائات جزایی افغانستان پیش‌بینی نشده است.

نتایج بحث

این قلم که بررسی تطبیقی تحقیقات مقدماتی در قانون اجرائات جزایی افغانستان و ایران پرداخته است، نتیج بحث قرار ذیل دست بندی می گردد:

۱. طی تحقیق و بررسی های انجام شده، به دست آمده که تحقیقات مقدماتی قانون اجرائات جزایی افغانستان و ایران، از سوی قانون گذار مورد توجه و اهتمام فراوان واقع شده است. به رغم شباهت هایی که میان این دو قانون وجود دارد. تفاوت هایی نیز میان آن دو مشاهده می شود؛ هر کدام دارای امتیازها و کاستی هایی است. که قرار ذیل مرقوم می گردد:

أ. وجوه اشتراک

۱. در قانون اجرائات جزایی افغانستان تعریفی از تحقیق جرم و در قانون ایران تعریفی از تحقیقات مقدماتی صورت گرفته است.

۲. ویژگی های تحقیقات مقدماتی در هر دو قانون کتبی و سریع می باشد.

۳. مرجع انجام دهنده تحقیقات مقدماتی در افغانستان سارنوال و در ایران دادستان نامیده می شود.

۴. در قرارهای تأمین مانند: قرار التزام با تعیین وجه التزام، قرار بازداشت موقت نیز مورد توجه قرار گرفته است.

۵. قرارهای نهایی نیز مانند قرار منع تعقیب و قرار بایگانی پرونده در هر دو قانون مشترک است.

ب. وجوه افتراق

هر دو قانون مذکور در موارد ذیل اختلاف دارند:

۱. ویژگی های تحقیقات مقدماتی در ایران به صورت محرمانه، غیر علنی، غیر تدافعی می باشد. اما در افغانستان به صورت علنی و تدافعی است.

۲. مرجع انجام دهنده تحقیقات مقدماتی در ایران بازپرس، دادستان، معاون دادسرا، دادیار، دادرس دادگاه، رئیس یا دادرس علی البدل دادگاه عمومی بخش می باشد و در افغانستان سارنوال تحقیق می باشد.

۳. شروع تحقیقات نیز در ایران توسط بازپرس و در افغانستان توسط سارنوال شروع می شود.

۴. در قرارهای تأمین مانند: قرار التزام به حضور با قول شرف، قرار خروج از حوزه قضایی با قول شرف، قرار عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام، قرار التزام به معرفی نوبه ای خود به مرجع قضایی یا انتظامی با تعیین وجه التزام، قرار التزام مستخدمان رسمی، قرار التزام به عدم خروج از منزل، قرار کفالت، قرار وثیقه نیز افتراق دارند.

۵. در قراردادهای نهایی مانند قرار موقوفی تعقیب، قرار توقف تحقیقات، قرار جلب به دادرسی نیز افتراق دارند.

منابع و مأخذ

قرآن

۱. آخوندی، محمود. ۱۳۸۴. آیین دادرسی کیفری (جلد پنجم)، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول.
۱. _____ ۱۳۸۴. آیین دادرسی کیفری (جلد چهارم)، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول.
۳. _____ ۱۳۸۸. آیین دادرسی کیفری (دادسرا و کیفرخواست؛ جلد ششم)، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ دوم.
۲. _____ ۱۳۸۹. آیین دادرسی کیفری (جلد دوم)، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ دوازدهم.
۳. آشوری، محمد. ۱۳۷۵. آیین دادرسی کیفری (جلد اول)، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول.
۴. جوانمرد، بهروز. ۱۳۹۳. فرایند دادرسی کیفری (ج ۱)، تهران، جاودانه، چهارم.
۵. خالقی، علی. ۱۳۹۴. آیین دادرسی کیفری، تهران، ناشر، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ ۲۹.
۶. طهماسبی، جواد. ۱۳۹۴. آیین دادرسی کیفری (جلد دوم)، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
۷. قانون اجرائات جزایی افغانستان.
- قانون آیین دادرسی کیفری ایران